

## دستاوردهای تجاری انعقاد توافقنامه تجارت آزاد میان کشورهای منتخب منا و بلوک آسه آن (مطالعه موردی: ایران)

دکتر کریم آذربایجانی\* دکتر همایون رنجبر\*\*

فروغ شعاعی\*\*\*

پذیرش: ۹۱/۹/۱۱

دریافت: ۸۹/۷/۱۱

تجارت آزاد / منا / آسه آن / جریان تجاری / الگوی جاذبه تعمیم یافته / گشتاورهای تعمیم یافته

### چکیده

یکی از ویژگی‌های اصلی اقتصاد جهانی، رقابت روزافزون کشورها برای یافتن بازارهای جدید است. بنابراین در چند سال گذشته، بخش عمده‌ای از کل تجارت بسیاری از کشورها به تجارت بین‌الملل اختصاص داده شده است. با توجه به روند کنونی اقتصاد که به سوی یکپارچگی پیش می‌رود، تشکیل بلوک‌ها و اتحایه‌های منطقه‌ای در قالب انعقاد قراردادهای همکاری دو یا چندجانبه و برقراری آزادسازی تجاری، نقش عمده‌ای در حضور گسترده‌تر کشورها در عرصه رقابت بین‌الملل دارد. هدف اصلی این مقاله، تشخیص موفقیت یا عدم موفقیت احتمالی انعقاد توافقنامه تجارت آزاد بین کشورهای حوزه منا<sup>۱</sup> و اعضای منتخب آسه آن<sup>۲</sup> (اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند) و ارزیابی تأثیر آن بر جریان تجاری

\* Azarbaejani@ase.ui.ac.ir

\*\* hranjbar@khuisf.ac.ir

\*\*\* fm.shoaei@gmail.com

\*. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان

\*\* . دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، گروه اقتصاد

\*\*\* . مدرس دانشگاه پیام نور

■ دکتر همایون رنجبر، مسئول مکاتبات.

1. Middle East and the North Africa (MENA)

2. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

ایران و طرف‌های درگیر در تجارت است. در این تحقیق از الگوی جاذبه تعمیم‌یافته<sup>۱</sup> و رگرسیون مبتنی بر گشتاورهای تعمیم‌یافته<sup>۲</sup> در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۷ استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تأثیر توافقنامه تجارت آزاد بر جریان تجاری اعضای منا و بلوک آسه‌آن و نیز ایران و آسه‌آن مثبت بوده و اعمال تعرفه بر میزان مبادلات طرفین درگیر در تجارت بی‌تأثیر است.

### طبقه‌بندی JEL: F10, F13, F15, F53



- 
1. Generalized Gravity Model.
  2. Generalized Method of Moments (GMM).

## مقدمه

از دوران انقلاب صنعتی به بعد، تجارت همواره اهمیتی روزافزون یافته و نقش آن در توسعه و رشد اقتصادی کشورها افزایش یافته است. گذر از یک نظام بسته به نظامی باز، بدون پرداختن هزینه از سوی جامعه امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین، ایجاد زمینه‌های مناسب و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی اهمیت به‌سزایی دارد. به‌طور حتم تجارت آزاد نسبت به انزواگرایی برتری دارد. شکست آزادسازی تجاری تحت حمایت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت<sup>۱</sup> (GATT) و بعدها سازمان تجارت جهانی<sup>۲</sup> (WTO)، موجب افزایش توافق‌های تجارت منطقه‌ای در نظام بازرگانی جهان شده است. این تحقیق با توجه به تلاش کشورها در دهه‌های اخیر برای دسترسی به بازارهای جهانی در قالب تجارت آزاد و آزادسازی تجاری<sup>۳</sup>، آثار تجاری انعقاد توافقنامه تجارت آزاد میان اعضای منا و کشورهای منتخب بلوک آسه‌آن و نیز ایران و آسه‌آن را بر جریان تجاری آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۷ بررسی می‌کند. بر همین اساس، در ادامه به ترتیب پیرامون ادبیات موضوع، پیشینه تحقیق و معرفی الگو بحث شده و پس از آن، به نتایج آماری تحقیق با دو عنوان مجزا مربوط به تأثیر انعقاد توافقنامه تجاری بین دو بلوک آسه‌آن و منا و مابین ایران و آسه‌آن پرداخته می‌شود و در نهایت، نتیجه‌گیری و راهکارهای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای ارائه می‌شود.

## ۱. ادبیات موضوع

امروزه همبستگی تجارت خارجی با توسعه اقتصادی به‌طور اعم، و توسعه صنعتی به‌طور اخص، بر کسی پوشیده نیست؛ به‌گونه‌ای که اقتصاد بسته و بی‌ارتباط با دنیای خارج اگر محکوم به شکست و نابودی نباشد، به فقر و عقب‌ماندگی دچار شده و از دستیابی به دانش بشری محروم می‌ماند. کشورهایی که بعد از جنگ جهانی دوم از روی تعصب یا احساسات به دور خود حصار کشیده و سیاست تجارت خارجی را در پیش نگرفته‌اند، از لحاظ توسعه اقتصادی و صنعتی با شکست مواجه شدند. از این دوران به بعد، آن دسته از کشورهایی

1. General Agreements on Tariff and Trade (GATT).

2. World Trade Organization (WTO).

3. Trade Liberalization.

که تجارت خارجی را با سیاست‌های توسعه اقتصادی درهم آمیخته و از تجارت بین‌الملل به‌عنوان محرک و تأمین‌کننده مالی توسعه اقتصادی استفاده کرده‌اند، به موفقیت دست یافتند.

امروزه جهان در حال تجربه پدیده‌ای به نام جهانی‌شدن است که روند آن حضور گسترده‌تر کشورها در عرصه اقتصاد بین‌الملل را می‌طلبد. تحولات مربوط به جهانی‌شدن، بیش از همه در حوزه اقتصاد انجام شده است. یکپارچگی بازارهای مالی، گسترش مبادلات تجاری همراه با مقررات‌زدایی، حذف تعرفه‌ها، اعمال ضوابط حمایتی بازرگانی و ایجاد نهادهایی نظیر سازمان تجارت جهانی با هدف گسترش تجارت بین‌الملل، از جمله نمودهای جهان‌گرایی اقتصادی است. جهانی‌شدن به‌عنوان پدیده‌ای که بشر به‌تازگی با آن روبه‌رو شده است، آثار مثبت و منفی‌ای دارد. منطقه‌گرایی یکی از راه‌های مقابله با جریان جهانی‌شدن و درعین حال برخورداری از مزایای آن است. منطقه‌گرایی اقتصادی و تجاری همراه با تأمین نیازهای جدید حوزه بین‌المللی، منافع ملی کشورها را نیز درون اتحادیه‌های منطقه‌ای حفظ می‌کند. یکپارچگی اقتصادی نیز به همین موضوع اشاره دارد و نشان می‌دهد کشورهایی که منافع اقتصادی و پیوندهای سیاسی مشترکی دارند، می‌توانند با یکپارچگی، تجارت آزاد را با سیاست‌های حمایتی ادغام کرده و علاوه بر کاهش محدودیت‌های تجاری‌شان، کشورهای غیرعضو را نیز با سیاست‌های تبعیضی و حمایتی مواجه سازند.<sup>۱</sup>

### ۱-۱. مفهوم و اهداف آزادسازی تجاری

آزادسازی مجموعه اقداماتی نظیر حذف نظارت دولت از بازارهای مالی، کالا و خدمات، کار و بخش خارجی و همچنین واگذاری آن به مکانیسم بازار را در برمی‌گیرد<sup>۲</sup> که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. حذف اعمال کنترل دولت از بازارهای مالی و واگذاری اختیارات تعیین قیمت به نیروهای بازار.
۲. از میان برداشتن محدودیت‌های کمی واردات.

۱. طیبی و آذربایجانی (۱۳۸۰).

۲. شکیبایی و کمالی (۱۳۷۲).

۳. حذف تدریجی و یا دفعی تعرفه، سوبسید و یکسان‌سازی تعرفه‌های واردات و سوبسیدهای صادرات.
۴. آزاد شدن تجارت خارجی.
۵. استفاده از مشارکت سرمایه‌گذاران و استقراض خارجی.
۶. آزاد کردن نرخ سپرده‌های بانکی.

از جمله اهداف عمده آزادسازی تجاری می‌توان به تسریع رشد اقتصادی، برخورداری از منافع ایستا و پویای تجارت از طریق اختصاص بهینه این منابع، تشدید رقابت، ارتقای جریان دانش، سرمایه‌گذاری و در نهایت، رشد سریع نرخ انباشت سرمایه و پیشرفت فنی<sup>۱</sup> اشاره کرد.<sup>۲</sup>

بر طبق الگوی رشد درون‌زا<sup>۳</sup> و نظریه تعادل جزئی استاندارد تجارت<sup>۴</sup>، آزادسازی تجاری در جریان انتقال فناوری نقش مهمی در افزایش صادرات و همچنین رشد تولید ناخالص داخلی ایفا می‌کند. افزایش صادرات از طریق به‌کارگیری منابع استفاده‌نشده<sup>۵</sup> می‌تواند به ارتقای میزان تولید ناخالص داخلی ختم شود. همچنین، افزایش واردات تحت تأثیر آزادسازی، خرید کالاهای سرمایه‌ای از خارج را میسر ساخته و پیشرفت فناوری را بهبود می‌بخشد. رشد و توسعه فناوری در بخش رقیب واردات<sup>۶</sup> یک کشور به کاهش حجم کلی تجارت براساس کاهش واردات و در نتیجه افزایش تراز تجاری<sup>۷</sup> منجر می‌شود. این الگو، آزادسازی تجاری، تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی را به هم مرتبط می‌داند؛ همچنین، شواهدی تجربی‌ای وجود دارد که براساس آن، اجرای مؤثر راهکار آزادسازی تجاری به افزایش صادرات نسبت به واردات کمک کرده و اثرات منفی خالص صادرات بر تولید ناخالص داخلی را کاهش می‌دهد. کروگر<sup>۸</sup>، خان<sup>۹</sup>، احمد<sup>۱۰</sup> و گروهی از اقتصاددانان، همگی

1. Technical Progress.

۲. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵).

3. Endogenous Growth Model.

4. Standard Partial Equilibrium Trade Theory.

5. Unemployed Resources.

6. Import-Competing Sector.

7. Trade Balance.

8. Krueger (1978).

9. Khan (1997).

10. Ahmed (2002).

بر وجود رابطه مثبت و پایدار میان آزادسازی تجاری و کارایی صادرات تأکید کرده‌اند. اما در مورد آزادسازی تجاری نظرات مخالفی نیز وجود دارد. به اعتقاد اقتصاددانان کینزی، کاهش تعرفه اجناس وارداتی تحت یک سیاست آزادسازی واردات، به افزایش واردات در مقایسه با صادرات منجر شده و از این رو به ایجاد کسری تراز تجاری کمک می‌کند.<sup>۱</sup>

گرینوی و همکارانش<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) با مطالعه ۱۳ کشور در حال توسعه، به نتایج گوناگونی درباره رابطه آزادسازی تجاری، صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی رسیده‌اند. آن‌ها دریافتند کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته که متحمل آزادسازی تجاری تحت قوانین سازمان تجارت جهانی می‌شوند و تغییری در فناوری‌شان ایجاد نشده است، ممکن است در «دام توسعه»<sup>۳</sup> و «شرایط بدتر شدن رابطه مبادله»<sup>۴</sup> گرفتار شوند. گروهی دیگر از اقتصاددانان نظیر گوپتا و چودهری<sup>۵</sup> و اسلام و جومو<sup>۶</sup> نیز بر همین نظریه تأکید می‌کنند.

بر اساس گزارش تجارت و توسعه (TDR)<sup>۷</sup> ملل متحد در سال ۱۹۹۹، آزادسازی سریع تجاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه باعث ایجاد کمبودهای تجاری گسترده‌تری می‌شود.<sup>۸</sup>

همچنین، سازمان جهانی کار (ILO)<sup>۹</sup> معتقد است آزادسازی تجاری به حل مشکلاتی مانند افزایش بیکاری و نابرابری دستمزد در کشورهای توسعه‌یافته، وجود شرایط استعماری در کشورهای در حال توسعه و صنعت‌زدایی و انزوای کشورهای کم‌درآمد منجر شود.

تحقیقات آنکتاد<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) درباره آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه نیز نشان می‌دهد که پایان دادن ناگهانی به حمایت و پشتیبانی از صنایع داخلی می‌تواند پیامدهایی جدی بر شرایط اشتغال و افزایش اختلاف در دستمزدها داشته باشد.

1. Froyen (1996).
2. Greenaway et al.
3. Development Trap
4. Terms of Trade Deterioration.
5. Gupta & Choudhry (1997).
6. Aslam & Jomo (2001).
7. Trade and Development Report (TDR).
8. Khor (2000).
9. International Labor Organization (2001).
10. UNCTAD, TDR

به طور خلاصه، با توجه به اثرات متفاوت آزادسازی تجاری بر عملکرد تجارت در کشورهای مختلف جهان - به ویژه کشورهای در حال توسعه - باید تحقیقات تجربی برای این گونه کشورها جداگانه انجام شود.

## ۲. پیشینه و سابقه تحقیق

با توجه به حجم زیاد مطالعات درباره جریان تجاری بر پایه الگوی جاذبه، در ادامه بعضی مطالعات اخیر که ارتباط بیش تری با موضوع مقاله دارند، به طور مختصر شرح داده می شود.

### ۲-۱. مطالعات خارجی

بانو<sup>۱</sup>، در مقاله ای با عنوان «آسه آن نیوزلند، ارتباطات و جریان تجاری» میزان اهمیت برقراری تجارت آزاد میان اتحادیه آسه آن و کشور نیوزلند را آزمود. نویسنده این مقاله برای بررسی تأثیر همگرایی بر اقتصاد نیوزلند و کشورهای آسه آن از الگوی جاذبه لاینمن<sup>۲</sup> استفاده کرد تا اهمیت برقراری تجارت آزاد میان آسه آن و نیوزلند را بیازماید. مکان شامل یازده کشور، دوره زمانی از سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷، داده ها تابلویی و دارای ۱۵۰۰ مشاهده است. نتایج تخمین نشان می دهد که تأثیر وجود توافقنامه تجارت آزاد بر کل تجارت کشورهای عضو اتحادیه آسه آن مثبت است.

سیسلیک و هگمجر<sup>۳</sup>، در مطالعه ای تأثیر آزادسازی تجاری میان اتحادیه اروپا و کشورهای عضو منا را ارزیابی کردند. نتایج تحقیقات آن ها با استفاده از معادله جاذبه تعمیم یافته نشان داد که هرچند وجود توافقنامه آزادسازی تجاری میان اتحادیه اروپا و اعضای منا باعث افزایش قابل توجه واردات کشورهای منا از اتحادیه اروپا شده است اما، اثر مثبتی بر صادرات این کشورها به اتحادیه اروپا نداشته و علت آن، عدم تقارن آزادسازی تجاری میان کشورهای دو بلوک است.

1. Bano.

2. Linneman (2010).

3. Cieslik & Hagemer (2009).

بی لی سی، اردیل و یتکینر<sup>۱</sup>، به تعیین نقش اتحادیه اروپا بر روند تجاری ترکیه پرداخته‌اند. این پژوهش به کمک الگوی جاذبه و در سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۲، در مورد ۴۶ کشور که سهم زیادی در کل تجارت ترکیه دارند، انجام شده است. نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد اتحادیه اروپا همیشه نقش مؤثری در تجارت ترکیه داشته و جریان تجاری این کشور را افزایش داده است.

پریدی<sup>۲</sup>، در مقاله‌ای با عنوان «اثرات تجاری مشارکت اتحادیه اروپا - کشورهای حوزه مدیترانه»، ارزیابی کمی‌ای از مشارکت مدیترانه - اتحادیه اروپا ارائه داده و کاربردهای آن را برای سیاست منطقه‌ای کشورهای آسیه‌آن بررسی کرده است. او از الگوی جاذبه تعمیم‌یافته برای تخمین استفاده می‌کند. این الگو به پیروی از هلپمن و کروگمن<sup>۳</sup> و نیز اندرسون و وینکوپ<sup>۴</sup>، بر مبنای ترکیبی از نظریه جدید تجارت<sup>۵</sup> (NTT) و در نظر گرفتن موانع تجاری است. در نهایت، پریدی به این نتیجه رسید که توافقی‌های تجاری بین اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه مدیترانه، صادرات کشورهای مدیترانه به این اتحادیه را تا حدود ۲۰ الی ۲۷ درصد افزایش داده است؛ اما در عین حال خاطر نشان کرد تأثیر مثبت اولویت‌های تجاری در طول زمان به طور یکنواخت کاهش یافته است.

## ۲-۲. مطالعات داخلی

در داخل کشور مطالعاتی درباره تأثیر برقراری تجارت خارجی، تشکیل توافقنامه‌های منطقه‌ای و آزادسازی تجاری با استفاده از روش‌ها و الگوهای متفاوت اقتصادسنجی بر رشد اقتصادی انجام شده اما به تأثیر آن‌ها بر جریان تجاری کم‌تر توجه شده است.

ثاقب و محرابی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با نام «بررسی آثار رفاهی کاهش موانع تعرفه‌ای ایران در تجارت با گروه D8» آثار اجرای موافقتنامه تجارت ترجیحی D8 بر جریان تجاری ایران را تحت سناریوی کاهش تعرفه‌ای و در قالب مدل تعادل جزئی بررسی کرده‌اند. براساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، ایجاد موافقتنامه باعث افزایش صادرات و

1. Bilici, Erdil and Yetkiner (2008).

2. Peridy (2005).

3. Helpman & Krugman (1985).

4. Anderson & Wincoop (2003-2004).

5. New Trade Theory (NTT).



واردات ایران با کشورهای عضو گروه D8 شده و آثار رفاهی برای ایران به دنبال خواهد داشت.

جلایی و سلیمانی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «یکپارچگی تجاری ایران با کشورهای عضو اکو (ECO)»<sup>۶</sup> با استفاده از الگوی جاذبه، جریان‌های تجارت دوجانبه ایران و اعضای اکو در مقطع زمانی ۲۰۰۳ را بررسی کرده‌اند. نتایج تخمین نشان داد الگوی تجارت دوجانبه ایران و سایر شرکای تجاری‌اش در اکو، الگوی هکچر - اوهلین سنتی با تجارت بین‌صنعتی است. همچنین، با مقایسه همگرایی کشورهای عضو اکو و کشورهای عضو یورو این نتیجه به دست آمد که ایران با کشورهای عضو اکو همگرایی بیش‌تری نسبت به اعضای یورو دارد که به اعتقاد نویسندگان، علت آن یکسانی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و مذهبی این کشورها است.

رحمانی، عسگری و عابدین (۱۳۸۵)، آثار تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای احتمالی در مرکز قاره آسیا بر تجارت دوجانبه کشورهای عضو احتمالی را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها با استفاده از الگوی جاذبه تعمیم‌یافته نشان داد که تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا تجارت بین‌اعضا و نیز تجارت این کشورها با سایر کشورهای مرکزی آسیا را افزایش می‌دهد. همچنین، در ثبات سایر شرایط با در نظر گرفتن کشورهای غیرعضو به‌عنوان نماینده‌ای از سایر کشورهای جهان می‌توان گفت این بلوک ایجادکننده تجارت بوده و شرکت در آن می‌تواند برای اهداف توسعه تجارت خارجی ایران مفید باشد.

طیبی و آذربایجانی (۱۳۸۰)، در چارچوب الگوی جاذبه، پتانسیل‌های تجاری دوجانبه ایران و اوکراین و همچنین سایر کشورهای طرف تجاری‌شان را پیش‌بینی کرده و تأثیر وجود یکپارچگی میان دو کشور را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد به دلیل ساختارهای اقتصادی نسبتاً یکسان و همچنین مشترکات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی‌ای که میان ایران و سایر کشورهای حوزه دریای خزر وجود دارد، ایجاد یکپارچگی اقتصادی می‌تواند مبادلات تجاری چندجانبه میان آن‌ها و همچنین حجم مبادلات تجاری‌شان را افزایش دهد.

6. Economic Cooperation Organization (ECO).

### ۳. معرفی الگوی جاذبه

همزمان با آغاز دهه ۱۸۶۰ که «اچ کری»<sup>۱</sup> برای اولین بار از فیزیک نیوتنی برای مطالعه رفتار انسان‌ها استفاده کرد، الگویی به نام «الگوی جاذبه» به‌طور گسترده در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۲</sup>

الگوهای جاذبه برای شرح انواع مختلف رفتارهایی استفاده می‌شود که میان موجودیت‌ها یا مکان‌های مختلف رخ می‌دهد. نظریه جاذبه و فرمول بنیادی آن از فیزیک نیوتنی استخراج شده و الگوهای جاذبه در علوم اجتماعی به‌طور گسترده‌تر برای شکل‌بندی‌های جاذبه‌های با فاصله‌ای به کار می‌رود که هر حرکت بر روی فضای آن منتج از یک فرایند بشری است.<sup>۳</sup>

سندبرگ و همکاران<sup>۴</sup>، جریان‌های تجاری دوجانبه میان کشورها را وابسته به وجود سه عامل می‌دانند:

۱. آن‌هایی که پتانسیل یک کشور را برای صادرات و واردات کالا و خدمات افزایش می‌دهند.

۲. عواملی که به ایجاد تمایل در کشورها برای واردات کالا و خدمات ختم می‌شوند.

۳. سایر عوامل شرطی‌سازی که تجارت دوجانبه را افزایش داده و یا مانع آن می‌شوند.

دو عامل اول از عوامل شبیه جرم هستند که در قانون جاذبه نیوتن استفاده شده است. عامل سوم، عوامل جغرافیایی یا اقتصادی هستند که بر جذب اصولی تجارت میان هر دو کشور مؤثرند. الگوی جاذبه برای تحلیل جریان‌های تجارت دوجانبه در حالت کلی و همچنین در چارچوب خاص‌تر مانند تأثیر اتحاد منطقه‌ای، مهاجرت، روابط مستعمراتی و مجاورت جغرافیایی به کار رفته است. هرچند این الگو از نظر تجربی موفق است اما گاهی به علت فقدان مبانی نظری و ماهیت غیررسمی آن مورد انتقاد قرار می‌گیرد. به‌هرحال،

1. H.Cary.

2. Wall (2000).

3. Haynes & Fotheringham (1984).

4. Sandberg et al (2002).

تین برگن<sup>۱</sup> و پوی هونن<sup>۲</sup> برای اولین بار الگوی جاذبه را بدون یک پشتوانه نظری قوی برای تحلیل جریان تجارت بین الملل به کار گرفتند و سپس به دنبال آن‌ها لاینمن (۱۹۶۶)، اندرسون<sup>۳</sup>، برگستراند<sup>۴</sup>، هلپمن و کروگمن<sup>۵</sup> وای ونت و کلر<sup>۶</sup> پایه‌های نظری مختلفی را برای الگوی جاذبه اولیه بیان کرده و تغییراتی نیز در شکل آن به وجود آورده‌اند. الگوی جاذبه در ساده‌ترین شکل خود به این صورت نوشته می‌شود:

$$T_{ij} = e^{B_0} Y_i^{B_1} N_i^{B_2} Y_j^{B_3} N_j^{B_4} D_{ij}^{B_5} e^{u_{ij}} \quad (۱)$$

که در آن:  $T_{ij}$  مقدار صادرات از کشور  $i$  (مبدأ) به کشور  $j$  (مقصد)،  $Y_i$  و  $Y_j$  اندازه‌های اقتصادی کشورها (معمولاً به وسیله تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود)؛  $N_j$  و  $N_i$  اندازه فیزیکی اقتصادها (با میزان جمعیت محاسبه می‌شود)؛  $D_{ij}$  فاصله فیزیکی دو کشور و  $u$  ضریب خطا است که هرگونه تأثیر تصادفی بر تجارت دوجانبه را جذب می‌کند. تقویت الگوی جاذبه با متغیرهایی که با تأثیر بر هزینه‌های معاملاتی یا محیطی، تجارت را افزایش و یا کاهش می‌دهند، متداول است. الگوی جاذبه تقویت‌شده در معادله (۲) نشان داده شده است:

$$T_{ij} = e^{B_0} Y_i^{B_1} N_i^{B_2} Y_j^{B_3} N_j^{B_4} D_{ij}^{B_5} e^{W_{ij}} e^{u_{ij}} \quad (۲)$$

از آنجایی که متغیرهایی نظیر فاصله جغرافیایی، مسافت فیزیکی، زبان مشترک، روابط مستعمراتی و سایر عوامل اینچنینی که در طول زمان ثابت‌اند را نمی‌توان مستقیماً وارد الگوی اثرات ثابت کرد؛ بنابراین، متغیر  $W$  به‌عنوان نماینده‌ای برای بیان این اثرات بر جریان تجاری به الگو افزوده شده است. افرادی همچون بوسیو و فرانتیو<sup>۷</sup> و فرانکل و رومر<sup>۸</sup> در مطالعات خود از چنین نماینده‌هایی استفاده کرده‌اند.

1. Tinbergen (1962).
2. Poyhonen (1963).
3. Anderson (1979).
4. Bergstrand (1985-1989).
5. Helpman & Krugman (1985).
6. Evenett & Keller (1997).
7. Boisso & Ferrantio (1997).
8. Ferankel & Romer (1999).

#### ۴. برآورد الگوی جاذبه به منظور ارزیابی تأثیر انعقاد توافقنامه تجارت آزاد میان اعضای بلوک آسه آن و منطقه منا

قلمرو مکانی این الگو، پنج کشور عضو بلوک آسه آن<sup>۱</sup> و کشورهای حوزه منا<sup>۲</sup> است. جریان تجاری پدیده مهم و درعین حال پیچیده‌ای است که به متغیرهای مختلف اقتصادی و غیراقتصادی بستگی داشته و برای تخمین الگوی جاذبه از متغیرهای متنوعی استفاده می‌شود. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این الگو، استفاده از متغیرهای توضیحی مهم اقتصادی و غیراقتصادی حاصل از تلفیق چند الگوی تجارت در قالب معادله جاذبه است. در اقتصاد بین‌الملل، الگوهای جاذبه امکان برآورد جریان تجاری دوجانبه در یک مقطع زمانی خاص و به‌طور همزمان از دیدگاه کشور صادرکننده و واردکننده را فراهم می‌کند. در واقع، برآورد روند تجاری دو کشور در یک الگوی جاذبه با استفاده از عوامل تعیین‌کننده آن، صورت می‌گیرد. در چارچوب این الگو، می‌توان موانع و تشویق‌های موجود را به‌صورت متغیرهای کمی و یا کیفی که در بازارهای قابل قبول، کمی شده‌اند وارد الگو کرده و تأثیر آن بر تجارت دوجانبه را بررسی کرد.

معادله جاذبه تعمیم‌یافته مورد استفاده در این بخش، به پیروی از پریدی (۲۰۰۵) به‌صورت زیر است.

$$\text{Ln}T_{ijt} = \alpha_{ij} + \beta_1 \text{Ln}T_{ij, t-1} + \beta_2 \text{Tax}_{ijt} + \beta_3 \text{LnSY}_{ijt} + \beta_4 \text{LnDY}_{ijt} + \beta_5 \text{SIMI}_{ijt} + \beta_6 \text{Lnd}_{ij} + \beta_7 \text{WTO} + \beta_8 \text{Lang}_{ij} + \beta_9 \text{Relig}_{ij} + \beta_{10} \text{ASMN} + \varepsilon_{ijt} \quad (3)$$

در این الگو، Ln نشان‌دهنده لگاریتم در پایه طبیعی؛  $T_{ijt}$  به‌عنوان متغیر وابسته، جریان تجاری دوجانبه (مجموع صادرات و واردات) بین کشورهای منتخب عضو بلوک آسه آن (i) و منا (j) و  $T_{ij, t-1}$  حجم مبادلات تجاری شرکای درگیر در تجارت با یک وقفه زمانی است.  $\text{Tax}_{ijt}$  معرف اعمال تعرفه بر تجارت بین‌الملل است و از آن‌جا که متغیر وابسته در این الگو به‌طور متقابل برای کشورها در نظر گرفته شده است، بنابراین، متغیر  $\text{Tax}$  نیز با فرمول زیر تعریف می‌شود:

۱. اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند.  
 ۲. الجزایر، بحرین، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تونس، امارات متحده عربی، یمن.

$$Tax_{ijt} = Ln \left[ \left( \frac{Tax_{it} + Tax_{jt}}{GDP_{it} + GDP_{jt}} \right) \right] \times d$$

اگر هر دو کشور مورد بررسی، عضو یک اتحادیه باشند، متغیر مجازی  $d$  مقدار یک و در غیر این صورت صفر را می‌گیرد.

$SY_{ijt}$  مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای  $i$  و  $j$  و  $DY_{ijt}$  قدر مطلق تفاضل تولید ناخالص داخلی سرانه طرفین مبادله هستند. همچنین متغیر  $SIMI$ <sup>۱</sup> شباهت در اندازه کشورها را نشان می‌دهد که به پیروی از هلمن (۱۹۸۷) به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$SIMI_{ijt} = Ln \left[ 1 - \left( \frac{GDP_{it}}{GDP_{it} + GDP_{jt}} \right)^2 - \left( \frac{GDP_{jt}}{GDP_{it} + GDP_{jt}} \right)^2 \right]$$

$d_{ij}$  نیز بیانگر فاصله جغرافیایی پایتخت‌های دو کشور  $i$  و  $j$  است. (متغیرهای  $SY_{ijt}$  و  $DY_{ijt}$  و  $SIMI$  مربوط به قاعده اصلی نظریه جدید تجارت‌اند). همچنین، متغیرهای مجازی موجود در الگو عبارت‌اند از: عضویت هر دو شریک تجاری در سازمان تجارت جهانی،  $Lang$  زبان رایج مشترک،  $Relig$  مشترکات مذهبی و  $ASMN$  برقراری تجارت آزاد مابین کشورهای منتخب بلوک آسه‌آن و حوزه منا.  $\varepsilon_{ijt}$  نیز جمله اخلاص الگو با میانگین صفر و واریانس مشخص در هر دو دوره زمانی است. در این الگو، با توجه به مقدار  $F$  لیمر (۳/۰۵) و احتمال صفر به دست آمده، فرضیه صفر مبنی بر ضرورت بررسی تلفیقی داده‌ها، به نفع فرضیه مقابل یعنی وجود قابلیت در داده‌های تابلویی رد می‌شود. همچنین، با توجه به ماهیت الگوی این تحقیق - که متغیر وقفه‌دار در سمت راست معادله وجود دارد - برای تخمین معادله از الگوی تلفیقی پویا استفاده می‌شود. روابط پویا با حضور متغیرهای وابسته وقفه‌دار در میان متغیرهای توضیحی الگوسازی می‌شود. بنابراین، می‌توان از روش‌های برآورد دومرحله‌ای 2SLS یا روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) آرلاونو و باند<sup>۲</sup> استفاده کرد؛ اما به علت آن که برآورد 2SLS ممکن است به دلیل اشکال در انتخاب ابزارها، واریانس‌های بزرگی برای ضرایب به دست آورد و برآوردهای آن بی‌معنی شود؛

1. Similarity in Country Size (SIMI).

2. Arellano-Bond.

بنابراین، از روش GMM استفاده می‌شود. در این شیوه، برای رفع همبستگی متغیر وابسته با وقفه و جزء خطا، وقفه متغیرها به عنوان ابزار تخمین به کار گرفته می‌شود. همچنین، از آزمون سارگان<sup>۱</sup> برای بررسی اعتبار ابزارهای به کاررفته، استفاده می‌شود که فرضیه صفر آن حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلال است.

نتایج نهایی حاصل از تخمین معادله در جدول (۱) آورده شده است.<sup>۲</sup>

### جدول ۱- نتایج حاصل از تخمین الگو

متغیرها	بر آورد ضرایب	خطای معیار	آماره Z	احتمال
$\text{LnT}_{ij, t-1}$	۰/۴۷۲۵	۰/۳۱۲۷	۱۵/۱۱	۰/۰۰۰
LnTax	۰/۰۰۵۷	۰/۰۰۹۷	۰/۵۹	۰/۵۵۹
LnSY	-۰/۰۴۸۹	۰/۰۵۹۶	-۰/۸۲	۰/۴۱۲
LndY	۰/۲۰۱۶	۰/۴۶۶	۴/۳۳	۰/۰۰۰
Simi	۰/۳۱۵۷	۰/۱۰۴۵	۳/۰۲	۰/۰۰۳
Lnd	۰/۵۹۶۷	۰/۱۶۴۵	۳/۶۳	۰/۰۰۰
ASMN	۴/۵۴۸	۱/۰۱۳	۴/۴۹	۰/۰۰۰
Sargan Test = ۳۹۴/۷۸۴۵				

منبع: یافته‌های تحقیق، نرم افزار Stata.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متغیر جریان تجاری با یک وقفه زمانی دارای علامت مثبت و معنادار است؛ به گونه‌ای که افزایش ۱۰ درصدی میزان حجم تجارت دوجانبه هر سال نسبت به سال قبل، جریان تجاری طرفین مبادله را به میزان ۴/۷ درصد بالا می‌برد. متغیر Tax که نشانگر تأثیر اعمال تعرفه بر طرفین درگیر تجارت است، از لحاظ آماری

#### 1. Sargan Test.

۲. نظر به این که متغیرهای مجازی WTO+Lang و Relig در برآورد اولیه، از لحاظ آماری بی‌معنا بودند؛ بنابراین، می‌توان به عدم تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر مبادلات تجاری منعقدشده میان کشورهای عضو منا و آسه‌آن پی‌برد. همچنین، با حذف متغیر Relig (مذهب مشترک)، متغیر مسافت به دلیل هم‌خطی شدید بین این دو متغیر، از لحاظ آماری معنادار می‌شود. زیرا اکثر مناطق هم‌جوار به‌ویژه کشورهای مورد بررسی این تحقیق، مذهب مشترک دارند. به همین دلیل برای دستیابی به برآورد مناسبی از الگو، این متغیرها با روش گام‌به‌گام حذف شده‌اند.

بی‌معناست و البته مقدار برآورد شده آن نیز بسیار ناچیز است؛ بنابراین، به نظر نمی‌رسد اجرای سیاست‌های آزادسازی در قالب اعمال موانع تعرفه‌ای اثری بر جریان تجاری بین کشورهای عضو منطقه منا و بلوک آسه‌آن داشته باشد. در توجیه بی‌معنا بودن اثر متغیر SY نیز می‌توان به این نکته توجه کرد که با بزرگ شدن اندازه کشورها، تولید داخلی توانایی پاسخگویی به افزایش قدرت خرید ایجاد شده را دارد و بنابراین، حجم تجارت دوجانبه کاهش یافته و این امر دلیلی بر بی‌معنا بودن اثر مجموع تولید ناخالص داخلی بر روند تجاری کشورهای مورد بررسی است. سایر متغیرها نیز از لحاظ آماری معنادارند. معمولاً مسافت و دوری کشورها از یکدیگر به‌عنوان مانع تجاری محسوب می‌شود ولی در این الگو، ضریب متغیر فاصله جغرافیایی هرچند به لحاظ آماری معنی‌دار است، اما تأثیر مثبتی بر حجم مبادلات تجاری دارد. مثبت بودن این ضریب، احتمالاً به دلیل کاهش شدید قیمت کالاهای قابل مبادله (مانند نفت و مواد اولیه) بین دو گروه از کشورها است که در این صورت، تأثیر مسافت را خنثی کرده و هزینه‌های حمل‌ونقل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همچنین، ضریب برآورد شده ASMN به گونه‌ای است که امضای چنین توافقنامه‌ای می‌تواند حجم مبادلات تجاری دوجانبه طرفین تجاری را تا ۹۳/۴ درصد افزایش دهد.<sup>۱</sup> در ضمن، نتایج آزمون سارگان نیز بر اعتبار فرض‌های تخمین (مستقل بودن متغیرهای ابزاری از جمله اخلاص) دلالت دارد.

## ۵. تصریح الگوی جاذبه برای بررسی و امکان‌سنجی اثر انعقاد توافقنامه تجارت آزاد میان ایران و کشورهای عضو آسه‌آن، بر جریان تجاری هر دو گروه

قلمرو مکانی این الگو، پنج عضو بلوک آسه‌آن و کشور ایران است.

$$\begin{aligned} \text{Ln}T_{ijt} = & \alpha_{ij} + \beta_1 \text{Ln}T_{ij,t-1} + \beta_2 \text{Tax}_{ijt} + \beta_3 \text{Ln}SY_{ijt} + \beta_4 \text{Ln}DY_{ijt} + \beta_5 \text{SIMI}_{ijt} + \\ & \beta_6 \text{Lnd}_{ij} + \beta_7 \text{WTO} + \beta_8 \text{Lang}_{ij} + \beta_9 \text{Relig}_{ij} + \beta_{10} \text{ASIR} + \varepsilon_{ijt} \end{aligned} \quad (۴)$$

۱. به دلیل تخمین الگو در قالب لگاریتم طبیعی و همه متغیرهای مجازی، در صورت صدق در شرایط مخصوص به خود مقداری برابر با یک داشته و در غیر این صورت صفر است؛ بنابراین، درصد تغییرات معادل برای این متغیرها به پیروی از (1980) R. Halvorsen & R. Palmquist به صورت  $\text{Anti loge}(\beta_i) - 1$  محاسبه می‌شود.

متغیر ساختگی ASIR نیز به عنوان متغیر توضیحی مورد هدف در این بخش، نشان دهنده وجود توافقنامه تجارت آزاد میان آسه آن و ایران است. اگر یکی از شرکای تجاری عضو بلوک آسه آن و دیگری کشور ایران باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

نتایج به دست آمده با توجه به آماره F لیمر ۳/۱۶ و احتمال صفر به دست آمده برای آن، فرضیه صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها را به نفع فرضیه مقابل یعنی وجود قابلیت در داده‌های تابلویی رد می‌کند. نتایج نهایی حاصل از تخمین معادله به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) آرالونو و باند در جدول (۲) آورده شده است.<sup>۱</sup>

جدول ۲- برآورد الگوی (۴)

متغیرها	برآورد ضرایب	خطای معیار	آماره Z	احتمال
$\text{LnT}_{ij, t-1}$	۰/۵۲۸۷	۰/۰۲۶۹۷	۱۹/۶	۰/۰۰۰
$\text{LnTax}$	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۹۸	۰/۴۴	۰/۶۶۱
$\text{LnSY}$	-۰/۰۰۴۸	۰/۰۶۳۷	-۰/۰۸	۰/۹۴
$\text{LndY}$	۰/۱۷۵۹	۰/۰۴۷۳	۳/۷۲	۰/۰۰۰
$\text{Simi}$	۰/۳۴	۰/۱۰۷۲	۳/۱۷	۰/۰۰۲
$\text{Lnd}$	۰/۴۴۹۶	۰/۱۷۶۷	۲/۵۴	۰/۰۱۱
$\text{ASMN}$	۱۸/۱۱	۴/۴۴	۴/۰۸	۰/۰۰۰
Sargan Test = ۳۸۰/۷۲۱۴				

منبع: یافته‌های تحقیق، نرم افزار Stata

نتایج حاصل از برآورد نهایی الگوی (۴) نشان می‌دهد که افزایش ده درصدی حجم مبادلات تجاری یک سال نسبت به سال قبل آن، میزان تجارت دوجانبه ایران و اعضای

۱. در برآورد اولیه با توجه به نتایج به دست آمده، همان‌طور که انتظار می‌رفت وجود مشترکات فرهنگی و مذهبی ایران و کشورهای آسه آن معنادار نبوده و بنابراین، در حجم مبادلات تجاری آن‌ها تأثیری ندارد. به همین دلیل، برای دستیابی به برآورد مناسبی از الگو، این متغیرها با روش گام به گام حذف شده‌اند.



آسه آن را به میزان ۵/۳ درصد بالا می‌برد. این نتیجه با الگوی عادت مصرفی و تمایل افراد به مصرف کالاها همانند سال‌های گذشته، مطابقت دارد. متغیر Tax نیز همانند الگوی قبل از لحاظ آماری بی‌معنا بوده و مقدار برآوردشده آن بسیار ناچیز است؛ بنابراین، اجرای سیاست‌های آزادسازی در قالب اعمال تعرفه، اثری بر جریان تجاری بین کشورهای مذکور ندارد. تشابه ساختار اقتصادی به میزان ۰/۳ درصد حجم مبادلات را افزایش می‌دهد و مسافت نیز مانند الگوی قبل تأثیر مثبتی بر جریان تجاری میان ایران و اعضای آسه آن می‌گذارد؛ علت این امر را می‌توان احتمالاً در نوع کالاهایی دانست که بین کشورها مبادله می‌شود. همچنین، معنی‌داری آماری متغیر مجازی ASIR که بیانگر تأثیر وجود توافقنامه تجاری میان کشور ایران و اعضای آسه آن است، و نیز ضریب برآوردشده آن، حاکی از تأثیر مثبت برقراری تجارت آزاد بر حجم مبادلات تجاری آن‌هاست؛ به علاوه، نتایج آزمون سارگان نیز بر اعتبار فرض‌های تخمین (استقلال متغیرهای ابزاری از جمله اخلال) دلالت دارد.

### جمع‌بندی و ملاحظات

براساس برآوردهای انجام‌شده، برقراری توافقنامه تجارت آزاد میان کشورهای حوزه منا و آسه آن و نیز ایران و آسه آن، اثر مثبتی بر حجم مبادلات تجاری آن‌ها دارد؛ اما اعمال تعرفه اثری بر این جریان تجاری ندارد. با توجه به این که رشد اقتصادی کشورهای آسه آن از ایران بیش‌تر است، ایران می‌تواند با شناخت پتانسیل‌ها، توانمندی و مزیت‌های نسبی در کشورهای آسه آن، نیازهای طرفین را شناسایی کرده و با برنامه‌ریزی و بینش صحیح به تجارت کالا و خدماتی پردازد که نیاز دو طرف را برآورده می‌سازند. همچنین، تدوین سیاست‌های لازم برای استفاده مناسب از مزیت‌ها، گسترش همکاری‌های اقتصادی، تسهیل قوانین مربوط به اعمال تعرفه و گمرک کالا و خدمات، و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع و بخش‌هایی از این کشورها که زمینه‌های مناسب گسترش تولید را دارند، می‌تواند در بلندمدت به رشد حجم مبادلات تجاری میان آن‌ها کمک کند.

### راهکارهای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای

با توجه به ترکیب محصولات صادراتی و وارداتی اعضای منا و آسه آن با یکدیگر

(کشورهای حوزه مناعمدتاً تولیدکننده نفت و مواد اولیه‌اند و اعضای آسه‌آن صادرکننده محصولات صنعتی و ماشین‌آلات)، با تحقیقات مشترک به منظور ایجاد مزیت‌های رقابتی و حفظ ظرفیت‌ها و مزیت‌های موجود، بازاریابی صحیح، اجرای اصلاحات تجاری در تمام زمینه‌ها از قبیل اصلاح قوانین گمرکی، بنادر، استانداردها و موارد مشابه، آزادسازی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای توسعه فعالیت‌های صادراتی، مبادله هیأت‌های اقتصادی و بازرگانی، فناوری و نیروهای متخصص و نیز اعطای تسهیلات اعتباری به فعالان اقتصادی‌ای که در حوزه این مناطق فعالیت می‌کنند، می‌توان به افزایش میزان مبادلات تجاری طرفین کمک کرد.



## منابع

- حمید ابریشمی، محسن مهرآرا و رضا محسنی (۱۳۸۵)؛ «تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۴۰، صص ۹۵-۱۲۶.
- حسن ثاقب، لیلا محرابی (۱۳۸۵)؛ «بررسی آثار رفاهی کاهش موانع تعرفه‌ای ایران در تجارت با گروه D8»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۴۰، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- عبدالمجید جلایی، سعید سلیمانی (۱۳۸۵)؛ «یکپارچگی تجاری ایران با کشورهای عضو اکو: کاربرد یک مدل جاذبه»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش. ۴، صص ۲۳-۱.
- میترا رحمانی، منصور عسگری، محمدرضا عابدین (۱۳۸۵)؛ «دستاوردهای تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا» فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۳۸، صص ۲۳۶-۲۱۳.
- علی‌رضا شکیبایی، پروانه کمالی (۱۳۷۲)؛ بررسی تطبیقی آزادسازی تجاری و تبعات و پیامدهای آن در چند کشور منتخب، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- کمیل طیبی، کریم آذربایجانی (۱۳۸۰)؛ «بررسی پتانسیل تجاری موجود میان ایران و اوکراین»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش. ۲۱، صص ۸۲-۶۱.

- Ahmed N. (2001); *Trade Liberalization in Bangladesh: An Investigation into Trends*, Dhaka: The University Press Limited (UPL).
- Anderson, J. (1979); "A Theoretical Foundation for the Gravity Equation", *American Economic Review*, no. 69(1), pp. 106-116.
- ASEAN Statistics Yearbook (Various Years); Available from: [http:// www. Aseansec.org](http://www.Aseansec.org)
- M. Aslam and K. Jomo (2001); "Implications of the GATT Uruguay Round for Development: the Malaysian Case", In Jomo K, Nagaragi, *Globalization Versus Development*, New York: Palgrave.
- Bano, S. (2010); "ASEAN-New Zealand Trade Relations and Trade Potential", Department of Economics, *Working Paper in Economics*, 01/10.
- Bergstrand, J. (1985); "The Gravity Equation in International Trade: Some Microeconomic Foundations and Empirical Evidence", *Review of Economics and Statistics*, no. 67(3), pp. 474-481.
- Bergstrand, J. (1989); "The Generalized Gravity Equation, Monopolistic Competition, and the Factor-Proportions Theory in International Trade", *The Review of Economics and Statistics*, no. 71, pp. 143-153.

- Bilici, O., Erdil, E. and I. Yetkiner (2008); "The Determining Role of EU in Turkey's Trade Flows: A Gravity Model Approach", *Working Paper in Economics*, no: 08/06.
- Boisso, D. and M. Ferrantino (1997); "Economic Distance, Cultural Distance, and Openness in International Trade: Empirical Puzzles", *Journal of Economic Integration*, no. 12(4), pp. 456-484.
- Cieřlik, A. and J. Hagemeyer (2009); "Assessing the Impact of the EU-Sponsored Trade Liberalization in the MENA Countries", *Journal of Economic Integration*, no. 24, pp. 344-369.
- Evenett, S. and W. Keller (1997); "On the Theories Explaining the Success of the Gravity Equation", *Journal of Political Economy*, no. 110, pp. 281-316.
- Frankel, J. and D. Romer (1999); "Does Trade Cause Growth?", *American Economic Review*, no. 89, pp. 379-399.
- Froyen, R. (1996); *Macroeconomics Theories and Policies*, USA: Prentice Hall.
- Greenaway, D., Morgan, W. and P. Wright (2002); "Trade Liberalization and Growth in Developing Countries", *Journal of Development Economics*, no. 67, pp. 229-244.
- Greenaway, D., Leybourne, S. and D. Sapsford (1997); *Trade Liberalization and Growth*, Massachusetts, USA: Kluwer Academic Publishers.
- Gupta, S. and N. Choudhry (1997); *Globalization, Growth and Sustainability: An Introduction*, Massachusetts, USA: Kluwer Academic Publishers.
- Halvorsen, R. and R. Palmquist (1980); "The Interpretation of Dummy Variables in Semilogarithmic Equations", *American Economic Review*, no. 80, pp.470-475.
- Haynes, K. and A. Fotheringham (1984); "Gravity and Spatial Interaction Models", *Sage Series in Scientific Geography*, Beverly Hills, CA: Sage Publications: 2.
- Helpman, E. (1987); "Imperfect Competition and International Trade: Evidence from 14 Industrialized Countries", *Journal of the Japanese and International Economies*, no. 92(3), pp. 451-471.
- Khan, F. (1997); *Household Disaggregation*, UK: Cambridge University Press.
- Khor, M. (2000); "Globalization and the South: Some Critical Issues", *Unctad Discussion Papers*, no. 147. Available from: <http://www.unctad.org/english/pub>.
- Krueger, A. (1978); *Foreign Trade Regimes and Economic Development:*

*Liberalization Attempts and Consequences*, Cambridge, MA: Ballinger Pub.co. for NBER.

Linnemann H. (1966); *An Econometric Study of International Trade Flows*, North-Holland Publishing Company, Amsterdam.

Peridy, N. (2005); "The Trade Effects of the Euro-Mediterranean Partnership: What Are the Lessons for ASEAN Countries?", *Journal of Asian Economics*, no. 16, pp. 125-139.

Pollak, R. (1970); "Habit Formation and Dynamic Demand Function", *The Journal of Political Economy*, no.78(4), pp. 745-763.

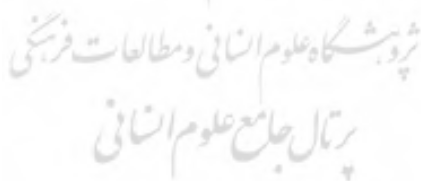
Sandberg, H. M., Taylor, T. G. and J. Seals (2002); "CARICOM Bilateral Trade: A Preliminary Analysis Using the Gravity Model", International Agricultural Trade and Policy Center, University of Florida, *Technical Paper Series (TPTC) 02-3*.

*The World Bank Annual Report* (2009); Available from: <http://www.World Bank.org>

UNCTAD (2002); *Trade and Development Report*, UNCTAD, Geneva.

World Development Indicators (2008); World Bank CD.

World Trade Organization Annual Report (1998); Geneva, Available from: [http:// www.WTO.org](http://www.WTO.org)





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی